

اگر مصیبت‌ها نمی‌بود؛ در آخرت مفلس وارد می‌شدیم!

دستوراتی که به مبتلایان توصیه می‌شود تا حین تعامل با مرض، تعامل شرعی داشته باشند

(ترجمه)

- ایمان؛ این که "بلاء" ابتلائی از جانب الله سبحانه و تعالی است. مسلمان همیشه در نفس خود بیاد بیاورد که خلقت وی در دنیا برای عبادت الله سبحانه و تعالی می‌باشد؛ چنانچه او سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [ذاریات: 56]

ترجمه: و من جن و انس را نیافریده‌ام، مگر برای این که مرا عبادت کنند.

و این دنیا دار ابتلا است؛ آنجا که الله متعال می‌فرماید:

﴿نَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْعَفُورُ﴾ [ملک: 1-2]

ترجمه: پر برکت و بزرگوار است کسی که فرمان‌روایی جهان هستی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست. (همان) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکار تر است و او پیروزمند بخشنده است.

او سبحانه و تعالی انسان را در دنیا من حیث جانشین آفریده تا عمر خود را سپری نماید و در هنگام تحقق این خلافت، وی دچار مصیبت و "قَدَر" شده و به مصیبت‌هایی باید دچار گردد. این مصیبت‌ها به اندازه ایمان مؤمن در ابتلای وی می‌آید. ترمذی در سنن خود حدیثی را از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ بَلَاءً؟ قَالَ: «الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الْأُمَثَلُ فَأَلْأَمَثَلُ، فَيَتَلَى الرَّجُلُ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ، فَإِنْ كَانَ دِينُهُ صُلْبًا اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ، وَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ رِقَّةٌ ابْتَلِيَ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ، فَمَا يَبْرُحُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَتْرُكَهُ يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ مَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ»

ترجمه: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم کدام مردم در ابتلا سخت‌تر اند؛ فرمود: ابتلای پیامبران از همه مردم سخت‌تر است و پس از آن هر که بان‌ها نزدیک‌تر باشد. مرد باندازه قوت دین خود بلا می‌بیند، اگر دین او محکم باشد، ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد، به اندازه دین خود بلا می‌بیند. بلا بر بنده فرو می‌آید تا همه گناهان او را پاک کند.

مرض یا مصیبت‌ها از جمله این "قَدَر" است. مرض اراده الله سبحانه و تعالی برای بنده‌اش به هدف پاک شدن گناهانش، دانستن قیمت صحت خود، بجا آوردن حق نعمت‌های الله سبحانه و تعالی، پی‌بردن به ضعف خود در برابر قدرت‌های الله متعال می‌باشد تا باشد که مرض‌های پی در پی و تکراری سبب پند و تذکرش گردیده و بعد از مریضی به شگفتی ایمان به الله سبحانه و تعالی پی‌برد. از این قبیل موارد قرار ذیل است:

- گمان نیک به الله سبحانه و تعالی: این که الله متعال در این مریضی یا مصیبت خیر بنده‌اش را می‌خواهد. ابن حبان در صحیح خود حدیثی را از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَعَلَا يُقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، إِنَّ خَيْرًا فَلَهُ، وَإِنْ شَرًّا فَلَهُ»

ترجمه: همانا الله (سبحانه و تعالی) می فرماید: من به گمان بنده مؤمنم هستم، اگر خوش گمان بود، نیکی می کنم و اگر بدگمان بود، بر اساس آن با او رفتار می کنم (یعنی به خواسته او یا او عمل می کنم).

- صبر و عدم نا رضایتی و اجر حساب و کتاب: صبر مطلوب که همانا صبر جمیل است، چنان چه الله متعال می فرماید:

﴿فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ [معارج: 5]

ترجمه: پس تو (ای پیامبر!) صبر جمیل پیشه کن.

صبر جمیل صبری ست بدون بدون دل زدگی، بدون تشویش و بدون اعتراض (صبر به زبان و قلب)؛ نه این که تنها به لسان راضی باشی و قلبات بگوید چرا ای پروردگار؟ پس کسی که لسان و قلبش یکی باشد، او صابر بوده و صبر جمیل می کند؛ اما حساب اجر آن نزد الله متعال است؛ زیرا او تعالی است که بالای بنده اش مرض یا مصیبتی را نازل می کند، باید که شکر الله متعال را نموده و نسبت به مصیبتی که به وی می آید، صبر نماید؛ جز این که الله متعال به او پاداشی می دهد که خودش نمی داند، چنانچه او سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾

﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [زمر: 10]

ترجمه: جز این نیست که صابران، پاداش خود را بی شمار و تمام دریافت می دارند.

و نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان نموده است؛ کسی که با از دست دادن فرزندش جزع و فزع نمود؛ بلکه در پیشامد ناگواری به الله سبحانه و تعالی رجوع کرد و شکر او تعالی را می کند، الله سبحانه و تعالی به وی در برابر پاداش صبر و شکرش، خانه ای در بهشت خواهد ساخت. او صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«إذا مات ولد العبد، قال الله لملائكته: قبضتم ولد عبدي؟ فيقولون: نعم. فيقول: ماذا قال عبدي؟ فيقولون: حمدك واسترجع، فيقول الله تعالى: ابنوا لعبدي بيتاً في الجنة، وسموه بيت الحمد» (رواه ترمذی، وقال حدیث حسن)

ترجمه: هنگامی که پسر بنده ای فوت می کند، الله (سبحانه و تعالی) برای ملائکه ای خود می فرماید: پسر بنده ام را قبض روح کردید؟ می گویند؛ بلی، قبض روح کردیم. سپس او (سبحانه و تعالی) می گوید که بنده ام چه گفت؟ می گویند: حمد تو را گفته و بسوی تو رجوع می کرد. الله (سبحانه و تعالی) می فرماید: برای بنده ام در جنت خانه ای ساخته و آن را خانه ای حمد یا شکر بگذارید.

- ایمان به این که بلاء یا مصیبت، محبت الله سبحانه و تعالی را به نسبت بنده مبتلای خود نشان می دهد و او سبحانه و تعالی می خواهد دری را در جنت به وی بگشاید. پس اگر بنده در چنین حالتی صبر کرد، اجر و حساب وی در دیوان صابرین نوشته می شود و برای صابرین این بزرگ ترین شرفی است که آنان در حفظ و معیت الله سبحانه و تعالی اند. او تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [بقره: 153]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبائی و نماز یاری بجوید که همانا الله با شکیبایان است.

اگر بنده در برابر مرض یا مصیبتی پیش آمده حمد و شکر او تعالی را بجا آورد، اجر و حساب وی در دیوان شاکرین نوشته می گردد، و این به شاکرین کفایت می کند که الله سبحانه و تعالی وعده افزودن را در اجر آنان نموده است: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾؛ اگر شکر گزاری کنید، یقیناً (نعمت خود را) به شما افزون می دهم (بلکه بیشتر از آن).

انسان‌های صحتمند در روز قیامت زمانی که پاداش انسان‌های مصیبت دیده و بیمار را از سوی الله سبحانه و تعالی می‌بینند، آرزو می‌کنند که ای کاش پوست‌ها و اجسادشان با قیچی بریده می‌شد.

- کثرت ذکر الله و طلب دعاء و اصرار ورزیدن به او سبحانه و تعالی، چنانچه او تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [بقره:

[186]

ترجمه: و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم. دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند؛ اجابت می‌کنم. پس (آنان) باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.

و نیز او تعالی می‌فرماید:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكَ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أُوْهُ مَعَ اللَّهِ ۗ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [نمل: 62]

ترجمه: آیا این تنها بهتراند یا کسی که (دعای) مضطر (= درمانده) را اجابت می‌کند؛ چون او را بخواند و گرفتاری را بر طرف می‌سازد و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد. آیا معبودی دیگری با الله است؟! چه اندک پند می‌گیرید.

بنابراین، مرض یا مصیبت بنده را به الله نزدیک کرده و تحولی را میان بنده و او سبحانه و تعالی به میان می‌آورد. چه بسیار افرادی که از توسل به الله سبحانه و تعالی امتناع ورزیده اند، به مریضی یا مصیبتی گرفتار شده اند. با این حساب دوباره به الله سبحانه و تعالی بسیار با فروتنی، شکسته و مخلصانه به او پناه برده و التماس دعا نموده تا ایمان و یقین‌شان زیاد گردد. وهب بن منبه می‌گوید: مصیبت برای استخراج دعا نازل می‌گردد، او تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَابَجَانِبَهُ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ﴾ [فصلت: 51]

ترجمه: و هرگاه بر انسان (خیر و) نعمتی عطاء نمائیم، روی می‌گرداند و متکبرانه (از حق) دور می‌شود و هرگاه شر (و بدی) به او برسد؛ پس دعا (وتقاضایش) یش (برای دفع آن) افزون می‌شود.

- مسلمان باید ایمان به قضاء و قدر الله سبحانه و تعالی داشته و اسباب و وسایل را به هدف مواجهت با بلا و عدم تسلیمی در برابر آن در اختیار خود قرار دهد. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«واعلم أن ما أخطأك لم يكن ليصيبك، وما أصابك لم يكن ليخطئك»

ترجمه: بدانید آن چه مرتکب خطا شده‌اید، گریبان شما نخواهد آمد و آن چه برای شما اتفاق افتاده است، شما را دچار خطا

نخواهد کرد.

و او سبحانه و تعالی می‌فرماید

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [قمر: 49]

ترجمه: بی‌گمان ما همه چیز را به اندازه آفریدیم.

اما با آن که مسلمان ایمان به قضای الله و قدر وی دارد، هم‌چنان باید تلاش نماید تا خود را از این بلا خارج نموده و دست به اسباب آن نزند، زیرا اسباب از جمله قدر الله سبحانه و تعالی بوده و مسلمان باید آن را در برابر مرض بکار بگیرد و نیز دست به تداوی آن زد؛ زیرا مرض قضاء است و دوی آن قدر الله متعال است که خاصیت آن علاج است.

موفقیت دواء در علاج مرض، وابسته به قدر الله متعال است که بیماری را خلق نمی‌کند، مگر این که دواي آن را خلق کرده است. و با ایمان به قضا و قدر حقیقت ایمان در قلوب انسان استقرار می‌یابد.

- مسلمان باید قلبش متعلق به این باشد که الله سبحانه و تعالی شافی امراض و کاشف اضرار است. هیچ شفای جز شفای او نبوده و هیچ کاشفی نیست؛ مگر او سبحانه و تعالی، چنان چه می‌فرماید:

﴿وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [انعام: 17]

ترجمه: اگر الله (بخواهد) زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را دفع کند، و اگر خیری به تو برساند، پس او بر همه چیز تواناست.

و او تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا مَرَضْتَ فَهُوَ يَشْفِينُ﴾ [شعراء: 80]

ترجمه: و هنگامی که بیمار شوم، پس او مرا شفا می‌دهد.

با این حساب نکاتی که مسلمان در نظر بگیرد:

أ- رقیه شرعی؛ چون: سورة فاتحه، معوذتین، آیت الکرسی و دعاهاي مأثورة را ورد زبان خود قرار دهد؛ مانند قول رسول الله صلی الله علیه وسلم:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَاسَ، وَأَشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُعَادِرُ سَقَمًا»

ترجمه: بار الهی، ای پروردگار مردم! بیماری‌اش را برطرف کن و چنان بهبودی و شفایی عنایت فرما که هیچ بیماری باقی نگذارد؛ چون شفا دهنده تویی و هیچ شفایی جز شفای تو وجود ندارد.

و قول او صلی الله علیه وسلم برای مریض:

«ضَعْ يَدَكَ عَلَى الَّذِي تَأْلَمُ مِنْ جَسَدِكَ وَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ ثَلَاثًا، وَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»

ترجمه: دستت را بر محل درد بگذار و سه بار بگو: "بسم الله" و هفت بار بگو: "أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ" از

دردی که احساس می‌کنم و از شر چیزی که می‌ترسم، به عزت و قدرت الله پناه می‌برم.

ب- این که نسبت به شفا ناامید نگردد؛ الله سبحانه و تعالی بر همه چیز مسلط است. او تعالی ذاتی است که از مسلمان خواسته است ایمان به این داشته باشد که مرض و شفا نیز از جانب او تعالی می‌باشد و بنده از او تعالی باید طلب کند و ناامید نگردد. او تعالی می‌فرماید: ﴿﴾

﴿إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾ [یوسف: 87]

ترجمه: چرا که جز گروه کافران کسی از رحمت الله ناامید نمی‌شود.

و او تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [یس: 82]

ترجمه: جز این نیست که فرمان او، چون چیزی را اراده کند (این است) که به آن می‌گوید: "موجود شو" پس (بی درنگ) موجود می‌شود.

و او تعالی برای ما در قرآنکریم تذکر داده که ایوب علیه السلام چگونه در بلا و مصیبت 18 سال را صبر کرد، سپس الله سبحانه و تعالی مصیبت و ضرر را دور کرده و وی را شفا داد. او تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِيَّ الضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ (۸۳) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذَكَرُوا لِلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء: 83-84]

ترجمه: و (ای پیامبر!) ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را ندا داد: «رنج و بیماری به من رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی.» پس (ما) دعای او را اجابت کردیم و رنج و ناراحتی که داشت، بر طرف ساختیم و خانواده‌اش و (نیز) همانندشان را با آن‌ها به او بازگرداندیم (تا) رحمتی از جانب ما و پندی برای عبادت‌کنندگان باشد.

ج- این که بنده در مورد مریضی و مصیبت به وی پیش آمده به جز الله سبحانه و تعالی به هیچ کس نباید لب به شکایت گشود، باید بر درد خود صبر کرد. او با مرض خود زندگی می‌کند، بدون آن که احساس کند به مقرب‌ترین فرد مبدل گردیده است و اگر از لسانش چیزی ظاهر شد، باید به استتغفار، حمد، شکر و صبر رجوع کرد. بنابراین در چنین حالتی فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم بر وی تطبیق می‌گردد که می‌فرماید:

«عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»

ترجمه: شگفتا از حال مؤمن که همه‌ای اوضاع و احوالش برای او خیر است و کسی جز مؤمن، چنین وضعی ندارد: اگر با امر خوشایندی مواجه شود، شکر می‌کند و اگر دچار زیان و امر ناگواری گردد صبر می‌نماید؛ و این برای او خیر است. اگر به حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم عمیق شوید، بیشتر درک خواهید کرد؛ چیزی که از انابت و حلاوت ایمان در حالت مرض حاصل می‌شود، بزرگ‌تر از زوال مرض است. در ترمذی روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«إِنَّ عَظْمَ الْجَزَاءِ مَعَ عَظْمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السُّخْطُ» «إِنَّ عَظْمَ الْجَزَاءِ مَعَ عَظْمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السُّخْطُ»

ترجمه: هرچه مصیبت بزرگ‌تر باشد، پاداش آن بزرگ‌تر (بیشتر) است و الله متعال کسانی را که دوست دارد، به سختی‌ها گرفتار می‌کند؛ کسی که (به مشیت الهی) راضی باشد، دست آوردش، رضایت الله است و هرکس ناخشنود باشد، نتیجه‌اش خشم الله سبحانه و تعالی را در پی خواهد داشت.

یعنی کسی که به آن چه او تعالی وی را ابتلامی کند، راضی گردید، رضایت او تعالی را بدست آورده که منجر به پاداش و ثواب می‌گردد و کسی که نسبت به بلاء و مصیبتی که الله بر سرش می‌آورد، ناراض گشته، غم و اندوه خود را نسبت به قضای الله آشکار گردد. خشم و عذاب الله تعالی را در پی دارد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ»

ترجمه: الله متعال در مورد هرکسی اراده‌ی خیر داشته باشد، او را دچار مصیبت می‌کند.

پس مرض یا مصیبت، رحمتی از جانب پروردگار برای بنده‌اش است. الله سبحانه و تعالی بنده‌هایش را برای مرحمت خلق کرده است، نه این که آنان را مورد عذاب قرار دهد. او تعالی می‌فرماید:

﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ﴾ [نساء: 147]

الله چه نیازی به عذاب شما دارد، اگر سپاسگزاری کنید و ایمان آورید؟!

اما اکثر مردم به حکمت الله سبحانه و تعالی جاهل اند. با آن هم الله سبحانه و تعالی بنده‌اش را به سبب جهلش می‌بخشد و در اثر وارد گردیده است، زمانی که بنده به مصیبتی گرفتار گردد، پروردگارش را فریاد می‌زند؛ ولی دعایش زود مستجاب نمی‌شود (استجابت دعایش به تاخیر می‌افتد)، در این هنگام مردم می‌گویند: پروردگارا! آیا بر او رحم نمی‌کنی؟ و الله سبحانه و تعالی می‌گوید: چگونه از چیزی بر او رحم کنم که توسط همان چیز بر او رحم می‌کنم.

د- عیادت مریض: از ثوبان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ»

ترجمه: هنگامی که مسلمان از برادر مسلمانش عیادت می‌کند، تا زمانی که باز می‌گردد، در "خُرْفَه‌ی بهشت" است. گفته شد: ای رسول الله، خُرْفَه‌ی بهشت چیست؟ فرمود: «جَنَاهَا: چیدن میوه‌های بهشتی»، تا وقتی که بر می‌گردد.

این از لطف اسلام است که مراقبت و عیادت مریض را حقی از حقوق برادر مسلمانش گردانیده است. در حدیثی روایت شده است که پنج چیز مسلمان بر برادرش واجب است، از جمله‌ی آن عیادت مریض است. رسول الله صلی الله علیه وسلم نه تنها مسلمانان را به ملاقات بیماران ترغیب می‌کرد؛ بلکه شخصاً به دیدن آنان رفته و و آنان را تسکین داده و از آن‌ها پذیرایی می‌کرد. حضرت عثمان رضی الله عنه می‌فرماید: همانا ما رسول الله صلی الله علیه وسلم را در سفر و همه جا همراهی می‌کردیم؛ او صلی الله علیه وسلم عادت داشت که بیماران ما را عیادت می‌کرد، در جنازه‌های ما اشتراک می‌ورزید، با ما یکجا به جنگ می‌رفت و با کم و زیاد از ما دلجویی می‌کرد.

-ابتلا برای پوشانیدن خطاها، محو بدی‌ها است؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذَى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكُهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ»

(رواه بخاری)

ترجمه: هیچ خستگی و مرضی، غم و اندوه و اذیت و شکنجه به مسلمان نمی‌رسد؛ حتی خاری که به پایش می‌خورد، مگر این که الله (سبحانه و تعالی) در برابر آن گناهانش را می‌آمرزد.

هم‌چنان ابتلاء برای بلند بردن درجات و ازدیاد حسنات می‌باشد، این حالت انبیاء در ابتلاء الله سبحانه و تعالی بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ يَبْتَلِي الرَّجُلَ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ فَإِن كَانَ فِي دِينِهِ صَلْبًا أَشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ إِن كَانَ

فِي دِينِهِ رِقَّةً ابْتَلَى عَلَى قَدْرِ دِينِهِ فَمَا يَبْرَحُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَتْرَكَ يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ وَ مَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ»

ترجمه: ابتلای پیامبران از همه مردم سخت‌تر است و پس از آن هر که بآن‌ها نزدیک‌تر باشد، مرد به اندازه قوت دین خود بلا می‌بیند؛ اگر دین او محکم باشد، ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد، به اندازه دین خود بلا می‌بیند. بلا بر بنده فرو می‌آید تا همه گناهان او را پاک کند. (بخاری این حدیث را روایت کرده‌است)

علما می‌گویند: انبیاء برای این که مزدشان مضاعف، فضائل شان کامل، و برای مردم صبرشان ظاهر گردد و نیز مردم به آنان رضایت داشته و از آنان تقلید کنند مورد ابتلا قرار می‌گیرند، نه برای این که کدام نقص و عذابی داشته باشند، مورد ابتلا قرار می‌گیرند.

و نیز ابتلاء برای پاک کردن مؤمنین بکار برده می‌شود، تا از منافقین تمییز شوند، چنانچه او تعالی می‌فرماید:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (1) وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَلْيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ﴾ [عنکبوت: 1-2]

ترجمه: الم (الف. لام. میم). آیا مردم پنداشتند که چون بگویند: «ایمان آوردیم» (به حال خود) رها می‌شوند و آنان آزمایش نمی‌شوند؟! و به راستی کسانی را که پیش از آن‌ها بودند، آزمودیم؛ پس البته الله کسانی را که راست گفتند معلوم می‌دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم خواهد داشت.

یقیناً که الله سبحانه و تعالی مؤمنین را با بلا و مصیبت بخاطر بعضی گناهان مورد ابتلا قرار می‌دهد؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«إن الرجل ليحرم الرزق بالذنب يصيبه، ولا يرد القدر إلا الدعاء، ولا يزيد العمر إلا البر» (رواه أحمد، نسائي، ابن ماجه، ابن

حبان، حاکم و حسنه السيوطي)

ترجمه: مرد به سبب گناهی که می‌کند (چه بسا) از روزی خویش (که برایش مقرر شده) محروم می‌گردد و قدر برگشتنی ندارد، مگر توسط دعا و عمر زیاد نمی‌گردد، مگر توسط نیکی.

محرم 1442 هـ.ق.

مطابق به سپتمبر 2020م

مترجم: عثمان طه